

# صنعت کشور

## چالشها و دستاوردها



### شرکت کنندگان در میزگرد:

#### اشاره

کارشناسان بر این باورند که صنعت کشور نسبت به سالهای گذشته از رشد قابل قبولی برخوردار است؛ به طوری که رشد آن به ۱۱ درصد رسیده و این رقم حتی جلوتر از برنامه سوم توسعه قرار دارد.

خوشبختانه اقتصاد کشور بویژه بخش صنعت و معدن در چارچوب یک پارادایم جدید قرار گرفته و باتوجه به اهداف «سیاست صنعتی» در این بخش از اقتصاد ایران، اصلاحات و تغییراتی آغاز شده است. کاهش اختلال و رفع کمبودهای بازار، تشویق نوآوری های تکنولوژیکی، اصلاحات ساختاری و توسعه رشته های خاصی از تولید صنعتی اولویت دار از جمله هدفهای «سیاست صنعتی» به شمار می رود که در جهت تحقق آنها پیشرفتهایی در سطوح کمی و کیفی نیز به دست آمده است.

در سالهای اخیر در جهت دستیابی به هدفهای «سیاست صنعتی» بسترهای لازم برای ارتقای بخش صنعت و معدن کشور در قالب طرحهایی چون اصلاحات ساختاری و تغییر مأموریت وزارتخانه مربوطه از برنامه ریزی بنگاه و محصول به سیاستگذاری برای صنعت و ایجاد نهادهای صنعتی، استراتژی توسعه صنعتی، نوسازی و بازسازی صنایع، حذف موانع غیر تعرفه ای، توسعه نهادهای غیردولتی و تشکلهای صنفی و صنعتی، واگذاری شرکتهای دولتی و توسعه خصوصی سازی، تجمیع عوارض، ایجاد نظام مهندسی معدن، تجدید ساختار تشکیلات واحدهای صنعتی و بالاخره ایجاد شرکتهای مادر تخصصی فراهم شده و در این راستا حرکتهای ملموس و آشکار به چشم می خورد.

افزون بر اینها، اگرچه آمار و ارقام موجود نشان دهنده افزایش رشد صنعت، سرمایه گذاری تولید صنعتی، صادرات صنعتی و اشتغالزایی است، ولی بدون شک تداوم این حرکتها و رسیدن به ارقام تعیین شده در برنامه چهارم توسعه مستلزم تداوم اصلاحات ساختاری، محوریت یافتن و تقویت بخش خصوصی، تضمین و احترام به مالکیت ها، حمایت از تولیدات صنعتی و صنعتگران، بهره گیری از دانش فنی روز و تقویت تشکلهای صنعتی است. در این میان آنچه این مأموریتها را مهمتر و سنگین تر می نماید، پذیرش درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی است که باتوجه به نقش صنعت به عنوان موتور محرکه اقتصاد، بایستی باتلاش مضاعف عوامل حضور در بازارهای بین المللی و رقابت پذیری و شرایط الحاق به این سازمان جهانی را فراهم و آماده ساخت.

به مناسبت بزرگداشت روز صنعت و معدن همایشی در زمینه دستاوردهای صنایع کشور با همکاری وزارت صنایع و معادن، کنفدراسیون صنایع ایران و انجمن مدیران صنایع در ماه گذشته در محل سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد که در آن گروهی از مدیران صنعتی و صنعتگران به بیان مشکلات و تنگناها و دستاوردهای صنعت کشور پرداختند. باتوجه به اهمیت مباحث مطرح شده، تدبیر در راستای مسئولیت فرهنگی و مطبوعاتی خود، درصدد برآمده است که دیدگاههای سخنرانان در این همایش را در چارچوب میزگرد تقدیم خوانندگان کند که در ادامه از نظر شما می گذرد. در شماره آینده نیز با دیدگاهها و نظرات گروه دیگری در همین زمینه آشنا خواهیم شد. □



■ محمدجعفر اسلامی؛ نوق لیسانس مدیریت، معاون برنامه ریزی و توسعه و فناوری وزارت صنایع و معادن



■ مرتضی بهشتی؛ دارای تحصیلات عالی در اقتصاد، آمار و مدیریت، دبیر کل کنفدراسیون صنعت ایران



■ محسن خلیلی؛ نوق لیسانس الکترونیک، رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت بوتان، رئیس هیات مدیره بانک کارآفرین



■ موسی غنی نژاد؛ دکترای اقتصاد اجتماعی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت



■ پایزید مردوخ؛ مشاور رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دبیر هیات انبای حساب ذخیره ارزی

به پل معلق افتاد فکر کردم مهندس باسوادی هستم، ولی وقتی که این پل معلق متصل به دو کابل را به طول یک مایل کاملاً دیدم، احساس کردم که خیلی بیسوادم.

از خودمان توقعات بیخود دلشتن و زحمات مردمی را بیهوده ناپیچ گرفتن کار پسندیده ای نیست. ما عادت داریم که کار گذشتگان را به صفر بگیریم و می خواهیم همه چیز را از صفر شروع کنیم و به همین جهت متأسفانه تکامل اتفاق نمی افتد. بعد از ۲۴ سال تلاش و بلایی به نام قانون حفاظت

مدرسه مان در باغ فردوس بود. در آن زمان این درختان سرسبز و تنومند همه کوچک و درحال رشد بودند و خیابان ولی عصر را تازه ساخته بودند. نزدیک ۶۵ سال طول کشید تا درختان این خیابان به این زیبایی درآمده اند. برای ایجاد تحول باید زمان بگذرد. ما به هیچوجه نمی توانیم توقع داشته باشیم که در زمانهای کوتاه، به نتایج بزرگ دست یابیم.

سخنم را بدین لحاظ این گونه شروع کردم که استفاده از عبارات صنایع مونتاژ در تبلیغات انتخابات اخیر ریاست جمهوری،

تدبیر: به اعتقاد کارشناسان، صنعت و توسعه آن همواره نقش محوری و کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی کشور داشته است. اگرچه روند توسعه صنعتی در کشور به دلیل عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوسته با فراز و نشیب هایی همراه بوده است، با این وصف برنامه ریزی های جدید برای نوسازی صنایع، تجدیدنظر در سیاستهای صنعتی و ایجاد ظرفیت های جدید موجب شده است که بویژه در سالهای اخیر، صنعت کشور در مسیر درستی قرار گرفته و از



موفق شدیم که مشروعیت بخش خصوصی را به اثبات برسانیم و لقب زشت زالوصفت را از خودمان حذف کنیم. امیدواریم که این اتفاقات تجربه خوبی برای آیندگان باشد.

وقتی که من صنعت را شروع کردم، برای ساختن قطعات ریخته گری خیلی ساده جان به لب می شدم و امکانات نداشتیم. در صورتی که پیشرفته ترین فعالیتها را در اروپای آن روز مشاهده می کردیم. داشتن مرز طولانی با اتحاد جماهیر شوروی سابق، باعث شد که بخش خصوصی در کشور توسعه پیدا نکند. در زمان حکومت پهلوی هم آنچنان

قلب مرا خیلی به درد آورد، زیرا من همه عمرم را روی صنعت گذاشته ام. ما وقتی که چنین سخن می گوئیم شبیه این است که یک نقاش سالهای طولانی روی یک تابلو زحمت کشیده باشد، یک باره تصمیم می گیرند تابلوی او را پاره کنند و زحماتش را به هدر بدهند.

من در سال ۱۹۵۴ از نمایشگاه صنعتی مونیخ دیدن کردم. در این نمایشگاه تاریخ صنعت آلمان از جمله تاریخ ریخته گری در ۶۰۰ سال قبل به نمایش گذاشته شده بود.

در اولین سفرم به نیویورک وقتی چشمم

رشد قابل قبولی برخوردار باشد.

باتوجه به اینکه آقای مهندس خلیلی بیش از ۶۰ سال از عمر گرانبهای خود را در راه پیشرفت صنعت کشور سپری کرده اند، در ابتدای بحث از زبان ایشان با بخشی از موانع و مشکلات صنعت کشور در گذشته و تلاشهایی که در راه رشد توسعه صنعتی کشور انجام شده است آشنا می شویم.

خلیلی: وقتی که از خیابان ولی عصر پایین می آمدم و درختان سر به فلک کشیده را دیدم به یاد دوره دبستان و دبیرستان افتادم که

### اقتصاد دانایی

اما به بینیم اقتصاد ما از نظر مقایسه جهانی در چه وضعیتی قرار دارد. برپایه شاخص ترکیبی اقتصاد دانایی در ۱۲۱ کشور جهان که در سال ۱۳۸۱ اندازه گیری شده است، شاخص ترکیبی اقتصاد دانایی سوئد ۹/۲۵ از ۱۰ است. (بالاترین حد ۱۰ است) که در رتبه اول قرار دارد و آنگولا با ۰/۳۲ در پایین ترین مرتبه.

شاخص اقتصاد دانایی برای کل جهان ۴/۸۲ و برای اقتصاد ایران ۲/۹۴ محاسبه شده است. این شاخص از چهار عنصر یعنی شاخص انگیزشی، شاخص نوآوری، شاخص آموزش و شاخص اطلاعاتی تشکیل می شود. مقدار شاخص انگیزشی برای ایران ۹۹ صدم، در مورد نوآوری ۳/۳۳، در مورد آموزشی ۳/۴۲ و در مورد اطلاعاتی ۴ می باشد. خیلی مهم است که روی شاخص انگیزشی متمرکز شویم.

در کشور مالزی شاخص انگیزشی ۵/۵۲ در ترکیه ۴/۶۱، در کره جنوبی ۶/۱۰ و متوسط جهانی آن هم ۴/۵۵ است.

شاخص انگیزشی، عقب ماندگی ناخوشایندی را در اقتصاد ما نشان می دهد که نه تنها در چارچوب اقتصاد دانایی، بلکه در کل فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران به عنوان یک معضل و مانع اساسی باید بویژه در توسعه صنعتی کشور مورد چاره جویی قرار گیرد، چون هیچ بخشی به اندازه توسعه صنعتی متکی به مسایل انگیزشی نیست.

شاخص انگیزشی معرفی عواملی است که در تصمیم سازی سیاستگذاری های اقتصاد کلان همه بخشها، انگیزه فعالیت اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد و در مجموع محصول تدبیر و راهبری اقتصادی عمدتاً دولتها و تا حدودی بنگاههاست که چند موردش را که این شاخص را تشکیل می دهند عرض می کنم: موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، میزان حمایت از حقوق مالکیت، سلامت نظام بانکی، نظارت بر نهادهای مالی و مقررات مناسب، درجه رقابت داخلی، کیفیت مقررات و اجرای

در امور مختلف است. افزایش بهره وری تولید و بازده کار در نتیجه کاربورد دستاوردهای علمی و فنی در همه امور، خاتمه دادن به عقب ماندگیهای فنی و اقتصادی و روابط عقب مانده اجتماعی، افزایش اشتغال و استخدام نیروی انسانی بیشتر در فعالیتهای اقتصادی، افزایش مستمر درآمد سرانه و رفاه عمومی، تغییر تولیدات جامعه از کالاهای وابسته به منابع به کالاهای کاربر و سپس به کالاهای سرمایه بر و در نهایت به کالاهای مهارت بر و بالاخره اندیشه بر یا دانش بر، توزیع و عرضه کالاهای مصرفی با دوام در محدوده بودجه و درآمد افراد عادی.

اقتصاد ایران در چارچوب یک دیدمان و پارادایم جدید از توسعه قرار گرفته است و ما به تدریج از نوعی نظام اقتصادی که بر پایه رابطه است (مثل پلیس راهنمایی) تدریجاً به سوی یک نظام متکی به قانون (چراغ راهنمایی) حرکت می کنیم و سعی بر این است که دست های مری نامری قانون و سیاستهای شفاف برنامه ها، جایگزین دستهای نامری نفوذ و فساد شود. در اقتصاد ما در نتیجه همین تحول، تغییراتی قابل مشاهده است که من به نمونه ای از آنها اشاره می کنم.

صف از زندگی اقتصادی مردم ناپدید شده است و مردم فقط برای ورود به دانشگاه و رفتن به سینما و احتمالاً در بعضی جاها برای خرید شیر فقط در صف قرار می گیرند. حساب دهی در شرکتهای دولتی به صورتی ضعیف آغاز شده ولی هنوز شفافیت کامل برقرار نیست. بعضی از باورهای جاافتاده مبنی بر دولتمداری در اموری مثل بانکداری، مالکیت و مدیریت دولتی در حال سست شدن است. تثبیت متغیرهای کلیدی اقتصادی مانند نرخ سود، نرخ ارز و تورم که امکان برنامه ریزی و ترسیم چشم انداز را برای فعالان اقتصادی تا حدودی امکان پذیر کرده است و بالاخره تشکیل ذخایر ارزی برای مقابله با نوسانات درآمدهای ارزی دولت و همچنین کمک به توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی.

کاری در حق مانده و صنعت به طور عمومی رشد پیدا نکرد. تا اینکه به دوره انقلاب رسیدیم و الی ماشاءالله برای ما گرفتاری درست شد، ولی ما در راه عشق و اعتقاد خودمان به صنعت کشور لحظه ای نایستادیم. حال اگر به ما صنعت مونتاژ بگویند، دلمان می سوزد. برای صنعتی کردن کشور خیلی ها تلاش کردند، چقدر خوب است که اجراها محترم شمرده شود.

راجع به زیرساخت های لازم برای توسعه صنعتی در طول ۵۰ سال گذشته باید عرض کنم که در آن موقع جاده نداشتیم و آرزوی من این بود که راهی پیدا کنم که بتوانم از آبادان به تهران تماس بگیرم. ما وسیله و امکاناتی در اختیار نداشتیم. بازار به صورت امروزی وجود نداشت. مردم امکانات مالی بسیار کمی داشتند و فقیر بودند و نمی توانستند از وسایل مدرن استفاده کنند. خیلی طول کشید تا رادیو و امکانات مخابراتی پیدا شد. جاده های ما وضع بسیار نابسامانی داشت. آرزوی ما ایجاد سد کرج و لوله کشی آب تهران بود. ما خیلی تلاش کردیم.

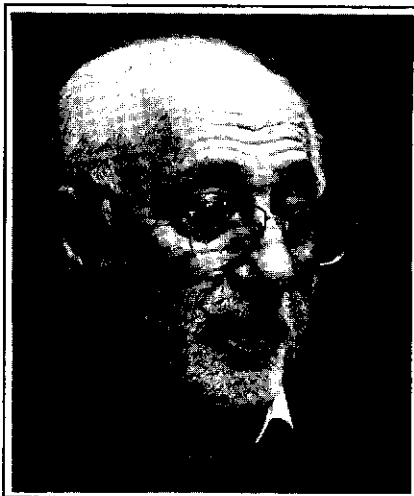
رشد صنعت چیزی در حدود ۱۱ درصد است و عملاً آن آرزوی منی که پیش بینی می کردیم هم اکنون به طور موردی وزارت صنایع به آن رسیده است. یک وزیر عزیز و زحمت کش با یاران ارزنده اش توانستند چنین رشدی را درست کنند و این حاصل تعامل، صمیمیت و دموکراسی است.

تدبیر: تغییر و تحولات توسعه صنعتی در کشور و ویژگیهای آن و نیز مقایسه اقتصاد ما با اقتصاد جهانی از نکات دیگری است که آقای دکتر مردوخی متناسب با وقت جلسه به بررسی و تحلیل آن می پردازند.

مردوخی: من برای اینکه از طریق منطقی بحث خودم را تعقیب کنم، اجازه می خواهم بگویم تغییر و تحولی که توسعه صنعتی نام گرفته است چیست و چه ویژگیهای مهمی دارد؟

### ویژگیهای توسعه صنعتی

اولین ویژگی، کاربرد اندیشه و نظر علمی



### مهندس خلیلی:

ما عادت داریم که کار گذشتگان را به هیچ بگیریم و می خواهیم همه چیز را از صفر شروع کنیم و به همین جهت پیشرفت و تکامل اتفاق نمی افتد.

استفاده از عبارت صنایع مونتاژ در تبلیغات انتخابات اخیر ریاست جمهوری، قلب مرا خیلی به درد آورد.

از خودمان توقعات بیخود داشتن و زحمات مردم را ناچیز گرفتن، کار پسندیده ای نیست.

داشتن مرز طولانی با اتحاد جماهیر شوروی سابق، باعث شد که بخش خصوصی در کشور توسعه پیدا نکند.

ما در راه عشق و اعتقاد خودمان به صنعت کشور، لحظه ای نایستادیم.

ما نزدیک شش کتاب مختلف در انجمن مدیران صنایع تهیه کردیم که زیربنای استراتژی توسعه صنعتی ایران را تشکیل داده است.

در دوره چهار ساله وزارت آقای مهندس جهانگیری علاوه بر مشاوران شانزده گانه وزیر، با تشکیل شورای فرهنگ و صنعت، در اشاعه فرهنگ صنعتی کارهای زیادی صورت گرفته است.

ما راهی جز توسعه صنعتی نداریم و اگر بتوانیم در این راه موفق شویم، به رفاه اجتماعی می رسیم.



بوده اند. این منطق در مورد اقتصاد ایران صادق است و زیستمندی و پایداری اقتصاد ایران در شرایط برقراری ارتباط و تعامل مستمر با جهان، امکان پذیر و معنی دار است.

تدبیر: در طول هشت سال دولت آقای خاتمی، تغییر و تحولاتی در راه رشد و توسعه صنعتی صورت گرفته است. دستاوردهای بخش صنعت و معدن و افزایش تولید صنعتی در طول این مدت، از نکات مهمی است که آقای مهندس اسلامی با بهره گیری از آمار و ارقام به بیان آنها می پردازند.

اسلامی: من سعی می کنم دستاوردهای صنعت را با دید کمی و در دو بعد بررسی کنم. نخست متغیرهای اصلی بخش صنعت و معدن در زمینه سرمایه گذاری و تولید در برنامه های اول، دوم و سوم توسعه و مقایسه آنها و دیگر بحثهای اصلاحات ساختاری.

### مقایسه برنامه های توسعه

از نظر مقایسه برنامه ها می توان گفت در برنامه اول متوسط رشد بخش صنعت و معدن ۹/۲ درصد و سهمش از تولید ناخالص داخلی ۱۲/۱ درصد بود. متوسط رشد سرمایه گذاری انجام شده در بخش صنعت و معدن در برنامه اول حدود ۱۳/۲ درصد و سهم این بخش از کل سرمایه گذاری حدود ۱۲/۷ درصد بود. در برنامه دوم، سیاستهای تعدیل زیر سوال رفت و دولت ناچار به یک سری اقداماتی شد. به خاطر همین مساله و تغییر نگاه دولت، متوسط رشد بخش که قبلاً ۹/۲ درصد بود در برنامه دوم به ۶/۲ درصد کاهش یافت ولی سهم آن از تولید ناخالص به ۱۴/۵ درصد افزایش پیدا کرد. با توجه به اینکه منابعی با ارزهای به نرخ تثبیت شده اختصاص یافت، رشد سرمایه گذاری در برنامه دوم به ۱۶/۲ درصد رسید و سهم آن از کل سرمایه گذاری ۱۵/۴ درصد شد.

در برنامه سوم در کل نگاه دولت و وظیفه دستگاه سیاستگذار تغییر کرد و فضا برای ورود بخش خصوصی باز شد. براین اساس هم

قانون، اثربخشی دولت، شفافیت و حساب دهی، ثبات سیاسی، کنترل فساد و محدودیتهای مربوط به آزادی فعالیت و آزادیهای مختلف.

### کشف رمز

یکی از اقتصاددانان بانک جهانی، رمزی را در اقتصاد سالهای اخیر ایران کشف کرده و اسمش را ده درصد مکرر گذاشته است. او می گوید تولید ناخالص داخلی ایران برای رسیدن به تعادل اقتصادی که در آن بیکاری کاهش یافته و رفاه مردم در نتیجه تبدیل ثروت نفتی به توسعه پایدار بهبود پیدا کند، هنوز ده درصد کسری دارد. اقتصادی ایران برای حصول به رشدی که بیکاری را کاهش دهد، معادل ده درصد تولید ناخالص داخلی کسری پس انداز و سرمایه گذاری دارد. مدیریت بهینه درآمد نفتی تجدیدنپذیر به منظور تامین پس انداز مورد نیاز برای ایجاد توازن بهینه در بین مصرف و پس انداز و پایداری فواید ناشی از نفت پس از تخلیه چاههای نفتی، مستلزم اختصاص بیش از ده درصد تولید ناخالص داخلی به پس انداز و سرمایه گذاری و کاستن ده درصد از ثروت نفتی اختصاص یافته به مصرف است. و بالاخره این میزان تعدیل در اقتصاد ایران، یعنی به میزان ده درصد را می شود از اصلاح نظام کارآمد پارانه انرژی عملی کرد. تصادفاً همین پارانه حدود ده درصد تولید ناخالص داخلی ایران را به خود اختصاص داده است. بنابراین ایشان چند تا ده درصدی در اقتصاد ایران به عنوان رمز کشف کرده است که اگر ما بتوانیم این ده درصدها را بالا ببریم یا پایین بیاوریم، می توانیم مشکلاتمان را کمتر کنیم.

براساس قانون برنامه سوم، ایران هم مثل بقیه کشورهای دنیا ناگزیر از تعامل و همکاری با دنیاست. آقای خاتمی رئیس جمهور محترم طی سخنانی گفته اند هیچ فرهنگ یا تمدن برجسته ای در انزوا متحول نشده است. به زبان دیگر تنها آن بخشهایی از فرهنگها و تمدنها برجای مانده اند که از خصلت ارتباط برخوردار

سرعت سرمایه‌گذاری زیاده‌تر شد و هم نقش صنعت بیشتر.

به موجب این تغییرات، متوسط رشد ارزش افزوده بخش ۱۱ درصد شد و سهم آن از تولید ناخالص داخلی به ۱۸/۸ درصد رسید. متوسط رشد سرمایه‌گذاری بخش به حدود ۱۷/۶ درصد افزایش یافت و سهم آن از کل سرمایه‌گذاری به ۲۰ درصد رسید.

همان طوری که دوستان اشاره کردند نگاه دولت در بخش صنعت به سمت ارائه تسهیلات برای توسعه صادرات حرکت کرد. به خاطر همین مساله صادرات صنعتی که در ابتدای برنامه اول حدود ۲۳۴ میلیون دلار بود، در پایان برنامه سوم به ۴/۵ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.

یکی دیگر از تحولات، تغییر ساختار نیروی انسانی و فعال کردن بخش اشتغال بود. به طوری که اشتغال صنعتی ۱۳/۶ درصد رشد داشت. علاوه بر این به رشد کیفی هم دست یافتیم، به نحوی که در حال حاضر حدود ۱۱/۷ درصد از کارکنان بخش صنعت و معدن، متخصص هستند. این رقم در ابتدای برنامه اول حدود ۴ درصد بود.

آنچه که از نظر کمی اشاره می‌شود و بعد هم به صورت ریزتر در بخش تولید مشخص می‌گردد در واقع مدیون تغییر نگاه دولت از جمله اصلاحات ساختاری در بخش صنعت و معدن است.

### اصلاحات ساختاری

در برنامه سوم، اولین مورد در این بخش آن بود که اصلاحات ساختاری در وظایف وزارتخانه‌ها صورت گیرد. یعنی از یک وزارتخانه‌ای که مأموریت آن بیشتر برنامه ریزی بنگاه و محصول بود، به وزارتخانه‌ای برای سیاست‌گذاری صنعت و ایجاد نهادهای صنعتی به منظور حمایت از صنعت تبدیل شود. همین تغییر نگاه باعث شد که وزارتخانه، سهم خود را در اداره بنگاه‌ها کم کند و فضا را بیشتر به بخش خصوصی بپردازد.

با این تغییر نگاه قرار شد وزارتخانه در حوزه سیاست‌گذاری به مساله تدوین استراتژی توسعه صنعتی و مشکلات بخش خصوصی

بپردازد. در حال حاضر با شاخصهایی که مطرح است، اقتصاد کشور را یک اقتصاد بسته می‌دانند و یا از نظر اقتصادی، معمولاً کشور ما را در رتبه‌های آخر قرار می‌دهند.

باتوجه به این مسایل عمده نگاهها و بحثها در استراتژی توسعه صنعتی، معطوف به چگونگی تغییر محیط و محیط‌سازی شد. در همین رابطه بحث تهیه سندهای ملی در برنامه چهارم توسعه مطرح شد که با همین رویکرد تدوین شد. یکی از فعالیتهایی که به ما واگذار شد، مساله نهادسازی بود. ما چهار نهاد را تعقیب کردیم که در خدمت بخش خصوصی قرار گیرند. سازمان گسترش تغییر مأموریت داد و دارای استراتژی جدید شد تا به عنوان سازمان توسعه‌ای عمل کند. سازمان گسترش مأموریت گرفت تا در دو بخش پیمانکاری عمومی و تکنولوژی پیشرفته (HIGH TEC) فعالیت کند.

سازمانی هم به نام سازمان معادن و توسعه صنایع معدنی تشکیل شد که از تجمع شرکتهای فولاد، ذوب آهن، مس و آلومینیم به وجود آمد. از فعالیتهای این سازمان، تقویت صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری‌ها در بخش معدن است.

در بخش صنایع کوچک، قرار شد یک نهاد از تلفیق شرکت شهرکهای صنعتی و سازمان صنایع کوچک ایجاد شود. بر همین اساس شرکت شهرکهای صنعتی به جای زیربناسازی به سمتی حرکت کرد که بتواند زیربناهای فیزیکی و نرم‌افزاری را از طریق ایجاد تشکلهای خوشه‌ها و فضا سازی فراهم کند. علاوه بر این از این طریق بخش صنایع کوچک هم راحت تر به منابع دست پیدا کرد.

بانک صنعت و معدن قبلاً به عنوان یک بنگاه هولدینگ عمل می‌کرد و از این نظر تفاوتی با سازمان صنایع ملی نداشت. باتوجه به تغییراتی که در سیاستهای آن بانک صورت گرفت، بانک بنگاههای خود را واگذار کرد و با افزایش سرمایه تلاش می‌کند که مانند یک بانک توسعه‌ای عمل کند.

همچنین ما مرکز صنایع نوین را ایجاد

کردیم تا در حوزه صنایع تکنولوژی پیشرفته به صورت خاص فعالیت کند.

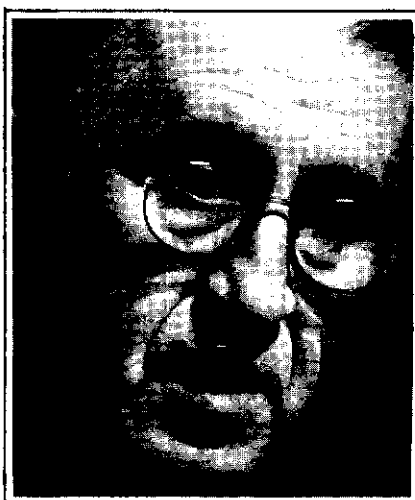
در زمینه نوسازی صنایع، وزارتخانه نوسازی را از صنایع نساجی شروع کرد و قانون برای کل صنایع کشور تهیه شد. تحول دیگری که می‌توان از آن به عنوان دستاوردهای صنعتی کشور یاد کرد این است که وزارتخانه تبدیل به وزارتخانه‌ای می‌شد که هدفش بیشتر اطلاع‌رسانی و سیاست‌گذاری است.

**تدبیر:** نقد صنعت در دولت آقای خاتمی و نوع جهت‌گیری‌های دولت نسبت به بخش خصوصی، میزان مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعتی و موانع موجود در این راه از جمله نکاتی است که آقای دکتر غنی نژاد به عنوان یک اقتصاددان به طور مختصر به آنها اشاره دارند.

**غنی نژاد:** ما ایرانیها طرفدار مظلوم هستیم، زمانی که آقای خاتمی در قدرت بودند، همیشه از ایشان انتقاد می‌کردیم، الان که عمر دولت ایشان در حال اتمام است، ما دلمان نمی‌آید که این کار را انجام دهیم. ولی در هر حال علمی باید رفتار کرد. بنابراین من می‌خواهم که به کار اصلی خودم که نقد است برگردم. البته نقد به معنای عیب‌جویی نیست، به معنای جدا کردن سره از ناسره است.

### مسیر درست

در کل اقتصاد ما در چهار سال دوم دولت آقای خاتمی در مسیری درست قرار گرفته است و این مساله را هیچ انسان منصفی نمی‌تواند نفی کند. جهت‌گیری‌ها درست شده و قوانین بهتری وضع شده است و امیدواریم که دولت جدید هم در این مسیر حرکت کند و جهت‌گیری‌ها را عوض نکند. جهت‌گیری‌های مثبتی که عرض می‌کنم نمونه‌های آن را می‌توانم بگویم. یکسان‌سازی نرخ ارز، اصلاح قانون مالیاتها، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، برداشتن موانع غیرتعمرفه‌ای و آزادسازی اقتصادی از جمله



دکتر مردوخی:

**اقتصاد ایران در چارچوب یک دیدمان و پارادایم جدید از توسعه قرار گرفته است.**

**ما به تدریج از نوعی نظام اقتصادی که بر پایه رابطه است، به سوی یک نظام متکی به قانون حرکت می‌کنیم.**

**شاخص اقتصاد دانایی از چهار عنصر انگیزشی، نوآوری، آموزشی و اطلاعاتی تشکیل می‌شود و میزان آن برای کل جهان ۴/۸۲ و برای اقتصاد ایران ۲/۹۴ محاسبه شده است.**

**شاخص انگیزشی، عقب ماندگی ناخوشایندی را در اقتصاد ما نشان می‌دهد که به عنوان یک مانع اساسی باید بویژه در توسعه صنعتی چاره جویی شود.**

**شاخص انگیزشی در ایران ۹۹ صدم، در ترکیه ۴/۶۱ و در کره جنوبی ۶/۱۰ است.**

**زیستمدنی و پایداری اقتصاد ایران در شرایط برقراری ارتباط و تعامل مستمر با جهان، امکان پذیر و معنی دار است.**

**بخش صنعت ما در چارچوب پارادایم نفت آرزان و سوخت فراوان، نمی‌تواند جایگاه داشته باشد.**

**رشد بخش خصوصی تنها از طریق ایجاد بنگاه و سرمایه گذاری نیست، بلکه از طریق تشکلهای و ایجاد نهادهای مدنی و صنفی است که می‌تواند به تحول و توسعه خودش کمک کند.**

**در آینده اگر سیاستهای اقتصادی کلان ما اصلاح نشود، فشارها و انتظارات روی بخش صنعت بیشتر خواهد شد.**

ایستادن اصلاحات را آزادسازی یا مقررات زدایی می‌گوییم. در زمینه مقررات زدایی، کار خیلی کم شده است، اگر همزمان در این قسمت کار می‌شد، ما شاید الان نتایج بهتری داشتیم، نرخ بیکاری کمتر می‌شد و وضع درآمدی مردم بالاتر بود و وضع بخش خصوصی هم بهتر و قدرتمندتر می‌شد.

**تدبیر:** چگونگی تکوین فرهنگ صنعتی و موانع و مشکلات اشاعه آن، کارآفرینی و نقش تشکلهای و نهادهای صنعتی در رشد و توسعه صنعتی کشور از مواردی است که آقای دکتر بهشتی با توجه به تجاربی که در این راه کسب کرده اند به طور خلاصه به بیان آنها می‌پردازند.

**بهشتی:** برای شناخت فرهنگ صنعتی لازم است ابتدا به پدیده‌هایی که باعث شده است جوامع امروز صنعتی، آنها را در بطن فرهنگ بومی خود جا دهند نظر بیندازیم تا مشاهده کنیم همه آنها برای تبدیل شدن به یک جامعه صنعتی، از عوامل همسان بهره گرفته‌اند. اگر چنین است چه عوامل و روشهایی باعث شده است تا آنها را به جوامعی تقریباً همگون و مشابه تبدیل کند.

### فرهنگ صنعتی

همه کشورهای صنعتی شده همانند انگلستان برای صنعتی شدن به صورت تقریباً مشابه، روند طولانی را طی کرده‌اند و با استفاده از روشهای مختلف قومی به نتایج فرهنگی مشابه دست یافته‌اند. به طور خلاصه تعدادی از این عوامل عبارتند از:

● جنگ میان سنت و مدرنیته: در طی سالهای بعد از شروع انقلاب صنعتی و گسترش کارخانه‌ها موج صنعتی شدن در غرب و ژاپنی شدن، اثراتی از خود برجا می‌گذاشت که مرتباً روبه رشد بود و آنهایی که تصویر آینده خود را در برابر صنعتی شدن نامعین می‌دیدند، مخالفتها و شورشهای زیادی را سامان دهی کردند.

جهت گیری های درستی است که باید ادامه پیدا کند. شاید اشکالی که وجود داشته و مردم از مسیر درست، زیاد مطلع نشدند ناشی از این باشد که مسیر وقتی درست می‌شود اولاً طول می‌کشد که نتایج آن روشن شود، ثانیاً اشکالاتی در کل چارچوب ساختار اقتصادی ما وجود دارد که اگر این مسیر بخواهد درست شود، باید در آن جهت قرار گیرد.

در صنعت ما، سرمایه گذاری و ارزش افزوده بالا رفته است و در مجموع عملکرد صنعت خوب بوده است. اما باید تفکیک کرد که سهم بخش خصوصی در این زمینه چقدر بوده است؟ علاوه بر این چرا این همه رشد و سرمایه گذاری موجب ایجاد اشتغال مورد انتظار نشده است؟ در دو سال اول برنامه سوم، رشد سرمایه گذاری در بخش صنعت به قیمت های ثابت در سالهای ۷۹ و ۸۰، به ترتیب ۱۴/۴ درصد و ۱۱/۲ درصد بوده است، اما رشد اشتغال در بخش صنعت، ۳/۱ درصد و ۲/۸ درصد بوده است. به عبارتی انعکاس و پیامد سرمایه گذاری های بزرگ با این رشد بالا، ایجاد اشتغال انبوه است. علت آن خیلی روشن است. علت این است که بخش مهمی از این سرمایه گذاری ها در صنایع بزرگ بخصوص در بخش دولتی صورت گرفته است. این سرمایه گذاریها عمدتاً در زیرساخت ها، انرژی، نفت و پتروشیمی و سیمان است و این صنایع اشتغال زا نیست، بلکه زیرساختها را درست می‌کند و اینها شرط لازم است، ولی برای رونق اقتصادی کافی نیست. مردم باید بهبود و رونق اقتصادی را واقعاً حس کنند، سطح درآمدشان بالا برود، و بیکاری پایین بیاید. دولت می‌توانست در کنار این سرمایه گذاری ها، موانعی که در جلوراه بخش خصوصی است بردارد. به نظر من در این قسمت کار به اندازه کافی نشده است. داد صنعتگران ما از وزارتخانه ها، محیط زیست، قانون کار و تامین اجتماعی به هواس است. اینها برای رشد بخش صنعت در بخش خصوصی موانع ایجاد می‌کنند. دولت در کنار آن سرمایه گذاریها، این اصلاحات را هم باید انجام می‌داد.



در کشور ما، چنین تضادهایی بین فرهنگ مدرن و فرهنگ سنتی در طول صدسال گذشته مانع شده است که عوامل فرهنگ صنعتی بر جامعه حاکم شود.

اگر فرهنگ صنعتی با تلفیق های مناسب با فرهنگ سنتی بر کلیه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم نشود، این گونه تناقضات اجتماعی مانع از ادامه رشد فرهنگ صنعتی و در نتیجه سدی برای صنعتی شدن خواهد بود.

● **ایجاد نظم و یکسان سازی:** با ایجاد کارخانه ها، سیستم کار تغییر اصولی پیدا کرد، شروع کار در ساعت معین و با سوت کارخانه ها انسانها را به نظم عادت داد که آنها را با زمان خطی آشنا کرد. هرکسی در ساعت معین باید سرکار خود حاضر می بود تا زنجیره تولید به کار خود ادامه دهد. مدیریت در پی ایجاد سود و بهره گیری از سرمایه، هیچ نوع ترحمی را جایز نمی دانست.

این الگو سبب شد تا همه سازمانها و نهادهای دولتی با نظم آهنینی به کار پردازند و افراد تابع مدیرانی شوند که انتخاب آنها بر اساس لیاقتهای فردی صورت می گرفت و توفیقات آنها در سودرسانی، ملاک تشخیص بود.

● **قانون گرایی:** نظام جدید صنعتی نیاز به قوانینی داشت تا جامعه در سایه آن بتواند به تولید ادامه دهد و ثروت بیشتری فراهم شود. مفهوم ثروت ملی به ثروتمند شدن افراد جامعه تعمیم یافت. نظم امور، استفاده از ابزارهای صنعتی، احترام به حقوق مخترعین و بویژه احترام به مالکیت همه به صورت نظم نوین، جامعه در حال صنعتی شدن را دگرگون می کرد.

● **توسعه بخش خصوصی:** نقش دولت با ورود صنعت و گسترش دامنه آن تعریفی جداگانه و جدید پیدا کرد. احزاب و کاندیداهای مختلف برای ورود به دولت و جلب آرای مردم برنامه های خود را حول محور قدرت صنعتی قرار دادند. دولت زیربنایها را برای گسترش صنعت آماده می کرد. زمینه های فرهنگی توسط دولت برای بهبود نهادهای

صنعتی فراهم شد. دولت در سرمایه گذاری های صنعتی شرکت نمی کرد، بلکه گسترش صنعت را متعلق به مردم و بخش خصوصی می دانست. از پدیده های جالب که تا امروز هم ادامه دارد، کسانی به مقام های دولتی راه پیدا می کردند که توانسته باشند قدرت خود را در مدیریت واحدهای صنعتی نشان داده باشند. شایسته سالاری ضوابط خود را ایجاد می کرد.

دولت قدرت خود را از صنایع می گرفت و مالیات دادن برای صاحبان صنایع حکم پرستی اجتماعی را داشت و یک اصل به شمار می رفت و صنایع هم از قدرت دولت بهره می گرفتند.

● **احترام به زمان:** در این دوران ساعت مچی به حد وفور تولید می شد تا نظام وقت شناسی دقیقه ای و ثانیه ای برای مردم، اصل قرار گیرد. زندگی روزمره بر اساس نظم ساعتی شکل می گرفت. در کارخانه ها همزمان سازی اصل بود و باید هرکس در ساعت و در دقیقه معین به کاری که بر انجام آن متعهد بود حاضر باشد و هیچ عذری پذیرفته نبود.

● **تولید انبوه و استاندارد:** همسان سازی و تولید انبوه بهای تولید را تنزل می داد و محصولات یک کارخانه به صورت کاملاً مشابه و یکسان بیرون می آمد. تولید انبوه و یکسان سازی باعث شد که تفکر جامعه دگرگون شود و سیستم های اجرایی به وجود آید، تفکر سیستمی در تمام شئون جامعه رخنه کرد و استانداردهایی برای تولید و سپس خدمات به وجود آمد، در نتیجه روشهای علمی برای طراحی هر تولیدی ایجاد شد.

ادارات دولتی و سازمانهای عمومی هم در جهت بهبود روشها بودند تا خدمات خود را با هزینه کمتر و با استانداردهای بهتر عرضه کنند. چنین سیستمی باید به دنبال تخصصها می رفت.

**تدبیر:** در این قسمت از بحث، آقای مهندس خلیلی به طور کوتاه به طرح نظرات خود پیرامون نقش انجمن مدیران صنایع در تکوین

و تدوین استراتژی توسعه صنعتی و اشاعه فرهنگ صنعتی می پردازند.

**خلیلی:** اولین بار استراتژی توسعه صنعتی به وسیله آقای مردوخی در انجمن مدیران صنایع عنوان شد. در آن زمان ما سه هزار صفحه استراتژی صنعتی دوره بازسازی زمان جنگ را نوشتیم و این از افتخارات ماست.

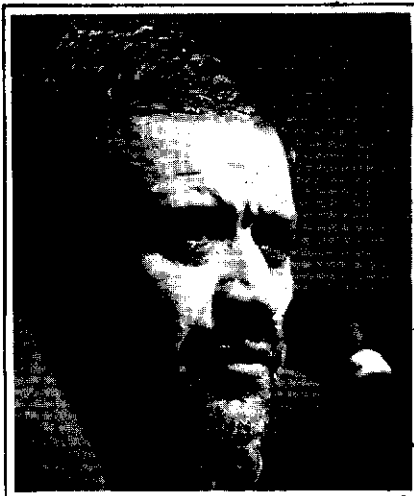
ما نزدیک شش کتاب مختلف در انجمن مدیران صنایع تهیه کردیم که زیربنای استراتژی توسعه صنعتی ایران را تشکیل داده است. سپس توسط آقای دکتر نیلی، استراتژی توسعه صنعتی را به دست آوردیم که اکنون به سند استراتژی تبدیل شده است و امیدواریم این مساعی تداوم پیدا کند. این کار حاصل بیست سال تلاش و کوشش مستمر است.

در مجموع به جایی رسیدیم که عملاً زیربناها درست شده است. از طرف دیگر سازمانهایی نظیر سازمان مدیریت صنعتی در حال پرورش مدیر هستند و در وزارت صنایع و معادن نیز صحبت از بهره وری و تعالی سازمانی است. بنابراین زیربنای مدیریتی هم درست شده است. ما صنعتگران هم متخصصان خوبی تربیت کرده ایم. در صنعت گاز کشور می توانم ادعا کنم که به اتفاق پارلمان تمام محصولات را خودمان می سازیم و در این زمینه در خودکفایی محض قرار داریم.

اگر ما بتوانیم در توسعه صنعتی موفق شویم به رفاه اجتماعی می رسیم. ما راهی جز توسعه صنعتی نداریم. در همین دوره چهارساله وزارت آقای مهندس جهانگیری علاوه بر مشاوران شانزده گانه وزیر، با تشکیل شورای فرهنگ و صنعت در اشاعه فرهنگ صنعتی کارهای زیادی صورت گرفته است.

علاوه بر اینها طی ۵۰ سال اخیر برای ایجاد و توسعه تشکل گرایی زحمات زیادی انجام شده و بهترین تشکل ها را ایجاد کردیم. این تشکل ها می توانند در خدمت صنعت باشند.

امیدواریم که این زحمات در خدمت



مهندس اسلامی:

در برنامه سوم توسعه، فضا برای ورود بخش خصوصی باز شد و به همین جهت سرعت سرمایه‌گذاری و نقش صنعت بیشتر شد.

در برنامه سوم توسعه، متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن ۱۱ درصد و سهم آن از تولید ناخالص داخلی به ۱۸/۸ درصد رسید.

صادرات صنعتی از حدود ۲۳۴ میلیون دلار در برنامه اول، به ۴/۵ میلیارد دلار در پایان برنامه سوم افزایش پیدا کرد.

وزارت صنایع و معادن که قبلاً مأموریت آن بیشتر برنامه ریزی بنگاه محصول بود، به وزارتخانه‌ای برای سیاستگذاری صنعت و ایجاد نهادهای صنعتی تبدیل شده است.

عمده نگاهها و بحثها در استراتژی توسعه صنعتی، به چگونگی تغییر محیط و محیط سازی معطوف شده است.

یکی از فعالیتهای جدید وزارت صنایع و معادن، نهادسازی است که در این زمینه چهار نهاد مأموریت یافتند که در خدمت بخش خصوصی قرار گیرند.

در حال حاضر طرحهای حدود ۱۳۴ هزار واحد صنعتی، بیش از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند که با تمام شدن آنها نزدیک ۵۰۰ هزار نفر می‌توانند مشغول کار شوند.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که دولت آقای خاتمی گامهای ارزنده‌ای را برای توسعه صنعت و معدن برداشته و بستر آماده‌ای را تقدیم دولت جدید می‌کند.



این پارادایم جدید، ما را با مساله اساسی در بخش صنعت روبرو کرده است و به نظر می‌رسد بخش صنعت ما دیگر در چارچوب پارادایم نفت اززان و سوخت فراوان نمی‌تواند جایگاه داشته باشد. بنابراین بخش صنعت ما باید به سرعت خودش را متحول کند که بتواند هم در بازارهای داخلی و هم در بازارهای جهانی عرض اندام کند.

### استراتژی توسعه صنعتی

در این رابطه خوشبختانه تغییراتی در استراتژی توسعه صنعتی ما اعم از استراتژی فعال و منفعل ایجاد شده است که به نظر من چند موردش اینها هستند:

- اولویت پیدا کردن توسعه صادرات در کنار توجه به استراتژی جایگزینی واردات در بعضی رشته‌ها.

- حذف موانع غیرتعرفه‌ای و پذیرش نظام مبتنی بر تعرفه و آثار و تبعات آن.

- پذیرش رسمسی واقعیتی به نام مرگ بنگاه زیان ده. در این مورد باید بگویم ما نمی‌پذیرفتیم که یک بنگاه صنعتی به هر دلیلی از دور فعالیت خارج شود. امروز این پذیرفته شده است و همان طور که موجود زنده با مرگ سلولهای از کار افتاده اش می‌تواند فعالتر و زنده تر فعالیت کند، در بخش صنعت هم همین طور است. به دلایل مختلف باید به بنگاه ناتوان و زیان ده اجازه داد که از دور خارج شود و با تغییر خط تولید بدهد.

- پذیرش رسمی خصوصی سازی به عنوان راهی برای کوچک کردن دولت که پدیده مهمی است. از ۱۳۵۳، حرکت خصوصی سازی در بخش صنعت ایران آغاز شد و دستاورد پیش از انقلاب این حرکت خصوصی سازی غیر از آن ۳۰ درصدی که به کارگران تعلق گرفت، در بقیه امور فقط یک بنگاه در پیش از انقلاب، خصوصی شد. بعد از انقلاب هم به کرات در برنامه های اول، دوم، سوم و چهارم ضرورت مساله خصوصی سازی تکرار شده، ولی متأسفانه هنوز به اندازه کافی صورت نگرفته است. علت آن هم

دولت معتقد به توسعه گرایی همه جانبه باشد و انشاءالله صنعتی شدن کشور بتواند ما را به دنبال مسیر خودش به تعالی و توفیق برساند.

تدبیر: ایجاد تغییرات در استراتژی توسعه صنعتی و چالشها و موانع موجود داخلی و جهانی در راه رشد و توسعه صنعتی از مواردی است که در ادامه بحث، آقای دکتر مردوخى به آنها به طور مختصر اشاره دارند.

مردوخى: تغییر دیدمان و پارادایمی که از اوایل دهه ۱۹۸۰ به تدریج در دنیا شروع شده، تغییر پارادایم متکی بر نفت ارزان و سوخت فراوان است. این دیدمان از بعد از جنگ دوم جهانی بر تمام کشورهای دنیا حاکم بوده و ما آثارش را در اتومبیل های پر مصرف، هواپیماهای غول پیکر، فرودگاههای عظیم، بزرگراهها و شاهراه های زمینی بسیار طولانی، خانه های بسیار گرم و خانه های بسیار سرد مشاهده می کنیم که همگی ناشی از تسلط پارادایم نفت ارزان و سوخت فراوان بر تمام شئون زندگی است.

### پارادایم جدید

این پارادایم با شوک ۱۹۷۳ که قیمتهای نفت چهاربرابر شد تقریباً متزلزل شد و از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد پارادایم جدیدی شروع شده که متکی به انتقال، پردازش، بازیابی، تحلیل داده ها، و هزینه های روبه کاهش ارتباطات است و الان در اکثر شئون زندگی در دنیا قابل مشاهده است. در واقع هر تغییر و تحول تکنولوژیکی که در دنیا مشاهده می شود، اثرش روی زندگی مردم بلافاصله دیده می شود. اگر ICT متحول می شود و پیشرفت می کند، هزینه های زندگی مردم پایین می آید. ما با وجود داشتن دستاوردهای صنعتی و علمی و پیشرفتهای فناوری، هنوز ثمرات پیشرفت تکنولوژی را که کاهش هزینه ها و افزایش رفاه است، وارد زندگی مردم کشورمان نکرده ایم. البته ناگفته نماند این ثمرات در خرید، واردات و حتماً در صنعت و کشاورزی دیده می شود.



این است که تدارکات و پیش بینی های لازم برای خصوصی سازی انجام ندادیم و فقط قانون آن را وضع کردیم.

از همه مهمتر اینکه خصوصی سازی که تا حالا تعقیب کردیم به خاطر نیل به رقابت مندی تولید و زیست مندی بنگاهها نبوده، بلکه به خاطر کوچک کردن دولت بوده است. - حرکت تدریجی بخش صنعت در راستای تحولات فناوری در سطح بین المللی و توازن و تعادل استانی هم تا اندازه ای صورت گرفته ولی هنوز رضایت بخش نیست.

- در نظام تدبیر (GOVERNANCE) در بخش صنعت تغییراتی رخ داده که آقسای مهندس خلیلی به آن اشاره فرمودند. افزون شدن تعداد نهادهای مدنی و صنفی در بخش صنعت، پدیده بسیار خوبی است. براین اساس بخش خصوصی تنها از طریق ایجاد بنگاه و سرمایه گذاری نیست که رشد می کند، بلکه از طریق تشکلهای و ایجاد نهادهای مدنی و صنفی است که می تواند به تحول و توسعه خودش کمک کند.

- تمرکز امور صنعت و معدن در یک وزارتخانه، اتفاق مناسبی بود که در این دوره صورت گرفته است. از همه مهمتر اینکه ستاد صنعتی کشور از یک مرکز برنامه ریزی محصول و بنگاه تدریجاً به سمت ستاد تنظیم کننده اقتصاد بخش صنعت، تحول پیدا کرده است. امروزه ما در چارچوب دیدمان و پارادایم جدید به این نوع ستاد صنعتی نیازمندیم که بتواند استراتژی ها را برای ما مشخص کند.

- اتفاق دیگر در بخش صنعت ما، تغییر نظام تامین منابع است. ما به تدریج شاهدیم که از تکیه محض بر پس انداز خصوصی و وام بانکی به طرف نظامی حرکت می کنیم که سرمایه گذاری مستقیم خارجی را پذیرفتیم که وارد منابع سرمایه گذاری بخش صنعت ما شود. بنگاههای صنعتی بخشی از وقت و انرژی خود را صرف سرمایه گذاری در بورس می کنند و تنها متکی به خط تولید نیستند. بنابراین چه به صورت اولیه و چه به صورت ثانویه وارد بورس شدن، موجب

تجهیز منابع می شود.

- تحول مهم دیگر اینکه دولت پذیرفته است که بخشی از ذخایر ارزی خود را به سرمایه گذاری صنعتی اختصاص بدهد. در طول برنامه سوم، بیش از شش میلیارد دلار برای تشکیل سرمایه در بخش صنعت گشایش اعتبار شده که گام بسیار مهمی است و ما هرگز چنین حجم عظیمی از سرمایه گذاری صنعتی را در دوران گذشته نداشتیم.

### چالشهای اقتصادی

در این قسمت از عرایض خودم به چند نکته اشاره کنم. جهانی شدن و سازوکار تنظیم روابط اقتصادی و بازرگانی آن در چارچوب سازمان جهانی تجارت، فرایندی است که اقتصاد و صنعت ما را تحت تاثیر قرار داده و حتی بدون الحاق به این سازمان، گریزی از تاثیرات در بازارهای اقتصاد ایران نبوده است.

ما در حال حاضر بدون اینکه به سازمان جهانی تجارت ملحق باشیم، هر کالایی که اراده کنیم، قابل دسترسی در بازارهای ایران است. دامنه این تاثیرات چه در صورت الحاق به WTO و چه در خارج از آن طی سالهای آینده بسیار فراتر از گذشته و اکنون خواهد بود. در نتیجه امکان زیست مندی بسیاری از صنایع کاهش یافته و امکان رقابست مندی بسیاری دیگر در صورت ادامه وضع موجود از بین خواهد رفت.

به تعویق افتادن اصلاحات اقتصادی در زمینه های سیاستی مثل سیاست مالی، سیاست پولی و بانکی، اشتغال، درآمد، تجاری یا ساختاری، فناوری و قانونی موجب شده است تا فشارهای غیرمعمول بر بخش صنعت به صورت انتظارات غیرمعمول وارد شود و توسعه و تکامل این بخش را برای رویارویی با چالشهای جهانی شدن با موانع و مشکلات جدی روبرو بسازد.

انتخاب استراتژی های سرمایه بر یکی از آن انتخابها بوده که به دلیل عدم اصلاحات ساختارهای سیاستی و قانونی ما صورت گرفته است. انتخاب استراتژی های سرمایه بر برای گریز از مشکلات روابط کار، انتقال

سرمایه و حتی تولید به خارج از کشور، کمبود سرمایه در بخش صنعت کشور و رشد ناچیز سرمایه گذاری در مناطقی کمتر توسعه یافته با وجود امکانات و استعدادهای قابل توجه در آن مناسطی از جمله مشکلات اساسی است که بخش صنعت ما همین امروز با آنها مواجه است و در آینده اگر سیاستهای اقتصادی کلان ما اصلاح نشود، این فشارها و انتظارات روی بخش صنعت بیشتر خواهد شد و صنعت را دچار مشکل می کند.

در پایان عرایض خودم چند توصیه بنگاهی دارم. در بنگاههای بخش دولتی بیش از هر چیز باید نظام ارتباطات بنگاه با بیرون و درون (نظام تدبیر) اصلاح شود. پس از این اصلاح است که می شود از خصوصی سازی تدریجی سخن گفت که در آغاز باید بنگاههای سودآوری که به خریداران احتمالی داخلی عرضه شوند مشمول آن گردند، بدون آنکه به ریزش نیروی کار منجر شود.

دولت باید به منظور ترغیب و تشویق بخش خصوصی، شرایط برابر با بخش دولتی فراهم کند و بخش خصوصی باید دسترسی مناسب به اعتبار و ارز خارجی و رفتار مناسب مالیاتی، دسترسی مناسب به بازارها و بویژه به بازارهای ادارات دولتی داشته باشد. ما بایستی از دستگاههای دولتی انتظار داشته باشیم که هر سال نیازهایشان را اعلام کنند تا بخش صنعتی داخلی ما بتواند با برنامه ریزی کالا تولید کند و در صورت عدم تولید، وارد کنند. این توصیه خیلی بهتر از این عمل می کند که ما بگوییم حداکثر استفاده از امکانات تولیدی داخلی.

در هر حال بایستی بدانیم با پارادایم نو که صنعت ما را با مسایل جدیدی روبرو کرده، باید حتماً به صورت امروزی و جدید برخورد کنیم.

تدبیر: نگاه کمی و آماری به بخشهای مختلف صنعت، مقایسه وضعیت سرمایه گذاری و تولید صنعتی در برنامه های اول، دوم و سوم توسعه و تلاشهای وزارت صنایع و معادن



دکتر غنی نژاد:

اقتصاد ما در چهار سال دولت آقای خاتمی در مسیری درست قرار گرفته است و این مساله را هیچ انسان منصفی نمی تواند نفی کند.

یکسان سازی نرخ ارز، اصلاح قانون مالیاتها، تشویق سرمایه گذاری خارجی، برداشتن موانع غیرتعرفه ای و آزادسازی اقتصادی از جهت گیری های درستی است که باید ادامه پیدا کند.

سرمایه گذاری و ارزش افزوده در صنعت ما بالا رفته و در مجموع عملکرد صنعت خوب بوده است.

سرمایه گذاری ها عمدتاً در حوزه های انرژی، نفت، پتروشیمی و سیمان است و این صنایع اشتغالزای نیست، بلکه زیرساخت ها را درست می کند.

دولت باید در کنار سرمایه گذاری ها، موانعی را که در جلو راه بخش خصوصی است، بردارد.

در زمینه آزادسازی یا مقررات زدایی، کار خیلی کم شده است.

قانون کار، یک معضل بزرگی است که هیچ دولتی حریف این قانون نشده است. این قانون به زبان کارگران است و باید اصلاح شود.

هزینه های فوق العاده زیادی بر تولیدکنندگان تحمیل می شود.

تا وقتی که قانون کار اصلاح نشود، اشتغال بالا نخواهد رفت و تا وقتی که اشتغال بالا نرود، دستمزدهای واقعی کارگران افزایش پیدا نخواهد کرد.



است. در زمینه تولیدات دیگر نظیر اتومبیل سواری باید عرض کنم که در سال ۷۶، ۱۳۳ هزار دستگاه خودرو سواری سالانه در کشور ساخته می شد، در سال ۸۳ این رقم به ۷۹۲ هزار دستگاه رسیده است. تولید سیمان در سال ۷۶، حدود ۱۹ میلیون تن بود که در سال ۸۳ به رقم ۳۲ میلیون تن افزایش یافته است. آخرین رقم مربوط به ماشین سازی و ساخت تجهیزات است که در سال ۷۶ حدود ۱۵۰ هزار تن بود و در سال ۸۳ به رقم ۵۰۷ هزار تن افزایش پیدا کرد.

آمار و ارقامی که عرض شد نشان می دهد که دولت گامهای ارزنده ای برای توسعه صنعت و معدن برداشته و در واقع زمینه و بستر آماده ای را تقدیم دولت بعدی می کند. بنابراین اگر \_\_\_\_\_ انمی ایجاد نشود، فضا به منظور سرمایه گذاری بخش خصوصی در تولید ایجاد شده است.

امیدواریم این خط تداوم یابد تا کشور بتواند از نظر قدرت اقتصادی در منطقه به عنوان مقام اول جای بگیرد.

تدبیر: موانع و مشکلات موجود در سز راه تولید صنعتی، ضرورت تغییر قانون کار، توجه به بخش خصوصی و ضرورت تغییر نگرش نسبت به این بخش و تاکید بر آزادی سازی اقتصاد، از جمله مواردی است که از زبان آقای دکتر غنی نژاد می شنویم.

غنی نژاد: هزینه های فوق العاده زیادی بر تولیدکنندگان تحمیل می شود. به آنها هزینه های معاملاتی می گوئیم. هزینه هایی که برای گرفتن مجوزهای مختلف صرف می شود، هزینه هایی که قوانین و مقررات به آنها تحمیل کرده است. قانون کار یک معضل بزرگی است که هیچ دولتی حریف این قانون نشده است. امیدواریم که دولت مردمی جدید، حریف این قانون کار بشود. قانون کار باید اصلاح شود، این قانون به زبان کارگران است. من حاضریم در هر محفلی در بین کارگران توضیح دهم که چطور این قانون کار، ضدکارگر است و ضد منافع آنهاست. تا وقتی که قانون کار اصلاح نشود، اشتغال بالا

در جهت تغییر مأموریت از برنامه ریزی بنگاه و محصول به سیاستگذاری صنعت از مواردی است که آقای مهندس اسلامی علاقه مند به طرح و بیان آنها هستند.

اسلامی: در مورد دستاوردهای ۸ سال دولت آقای خاتمی در بخش صنعت و معدن باید عرض کنم که سهم سرمایه گذاری این بخش از کل سرمایه گذاری با رشد متوسط ۱۰ درصد از ۱۰/۵ درصد در شروع سال ۷۶، به ۲۰/۱۰ درصد در پایان سال ۸۳ رسیده است. در طول این مدت حدود ۳۰ هزار پروانه بهره برداری صادر شده که رشد آن سالانه بیش از ۷ درصد بوده است. در حال حاضر طرحهایی که بیش از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارند، حدود ۱۳۴ هزار واحد صنعتی است که با تمام شدن آنها، نزدیک ۵۰۰ هزار نفر می توانند در این بخش مشغول به کار شوند.

طی \_\_\_\_\_ الهای ۷۸ تا ۸۴ از نظر سرمایه گذاری خارجی حدود ۱۳۶ طرح با سرمایه گذاری ۳/۶ میلیارد دلار به تصویب رسیده که حدود ۹۰ طرح آن راه اندازی شده است.

در مورد حساب تسهیلات ذخیره ارزی، باید عرض کنم که حدود ۹/۲ میلیارد دلار طرح تصویب شده است که از این مقدار ۶/۲ میلیارد دلار آن گشایش پیدا کرده است.

در حساب ذخیره ارزی، فضای جدیدی ایجاد شده است، به طوری در بخش سیمان کشور برای ۵۰ طرح سیمان به ظرفیت ۵۰ میلیون تن گشایش اعتبار شده است که حدود ۳۵ میلیون تن آن گشایش پیدا کرده است و اولین واحد آن در مرداد امسال به بهره برداری می رسد.

در بخش تولید، باید عرض کنم که تولید فولاد خام کشور حدود ۹ میلیون تن است. با کمک بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی، قرار است آن را به رقم ۳۰ میلیون تن افزایش دهیم. تولید شمش آلومینیم در سال ۷۶، حدود ۹۵ هزار تن بوده است و رقم آن در حال حاضر حدود ۲۱۲ هزار تن است. برنامه ریزی ما در این زمینه برای یک میلیون تن

نخواهد رفت. تا وقتی که اشتغال بالا نرود و تقاضا برای نیروی کار ایجاد نشود، دستمزدهای واقعی کارگران افزایش پیدا نخواهد کرد و رفاه آنها تامین نخواهد شد. اینها واقعیاتی است که علم اقتصاد به ما می گوید.

دولت خیلی بهتر می توانست در این قسمت فرهنگ سازی کند. در چهار سال اول، متأسفانه دولت آقای خاتمی از این جهت دچار فرصت سوزی هایی بزرگی شد.

### سیطره سیاست بر اقتصاد

بیشتر نقد من شامل زمان حال و آینده است. بخش صنعت ما، بیشتر از اینکه نیازمند حمایت مستقیم و یارانه و صدقه باشد، نیازمند آزادی است. نیازمند این است که زنجیره هایی که به دست و پایش بسته شده باز شود. نیازمند این است که متهم ردیف اول اقتصاد قرار نگیرد.

شما نگاه کنید هر کسی که می خواهد یک تولیدی را شروع کند از دیدگاه مجامع رسمی و صاحبان قدرت، به عنوان مجرم تلقی می شود. این فضا باید عوض شود. از ابتدای انقلاب، صنعت و تولید و بخش خصوصی ما واقعاً مورد اجحاف و ظلم و بی انصافی قرار گرفته است و هنوز هم علی رغم اینکه از سوی دولتمردان دولت اصلاحات، مقداری اصلاح شد، ولی هنوز هستند بعضی افراد حتی در میان روشنفکران که رسالت بزرگ تولیدکنندگان در بخش خصوصی را درک نمی کنند و فکر می کنند که اینها یک عده استثمارگرند.

تولید عرصه ای است که ثروت شما عیان است. وقتی فرهنگ جامعه طوری است که ثروتمند را مذموم تلقی می کند، معلوم است که مردم از این کار ابا می کنند.

سیطره سیاست بر اقتصاد، گرفتاری بزرگ ماست. هنوز هم از این سیطره رها نشدیم. مثلاً معنی اولویت قراردادن عدالت بر اقتصاد چیست؟ مگر اقتصاد ضد عدالت است؟ تاکید بر اینکه اولویت بر عدالت است نه اقتصاد، در حقیقت تاکید بر سیطره سیاست

بر اقتصاد است. یعنی اینکه اقتصادها و تولیدکنندگان، کارگزاران سیاستمدارها باید باشند، این همان دیدگاه اقتصاد دولت مدار است که باید کنار گذاشته شود.

چپ و راست میانه در کشور ما به این نتیجه رسیدند که مسیر، همین رفتن به طرف بخش خصوصی و آزادسازی و اقتصاد آزاد و رقابتی است. این مسیر، مسیر درستی بوده و اشکال این بوده است که گند حرکت کردیم و مقررات زدایی در دولت به اندازه کافی اهمیت پیدا نکرده است.

**تدبیر:** اشاعه فرهنگ صنعتی و تاکید بر تشکل گرایی صنعتی و ضرورت نهادهای فرهنگ ساز در تکوین و ترویج فرهنگ صنعتی ادامه بحث آقای دکتر بهشتی است که توجه خوانندگان را نسبت به آن جلب می کنیم.

**بهشتی:** در ادامه بحث خودم، به دنباله عوامل شکل گیری فرهنگ صنعتی می پردازم.

● **ایجاد تخصص:** به گفته آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶، دویست برابر شدن تولید سرانه هر نفر زائیده کار تخصصی و یکنواختی کار بود. بنابراین برای تولید بهتر و بیشتر، موضوع ایجاد تخصص مطرح شد، لذا آموزشگاههای فنی به وجود آمدند و سیستم آموزش و پرورش تبدیل به نوعی کارخانه می شود که در آن انبوه سازی انجام می گیرد و براساس نیازهای صنعت، دوره های تخصصی شکل می گیرد.

● **ایجاد شرکتها:** قبل از صنعتی شدن، تعداد شرکتهایی که در زمینه بازرگانی فعالیت می کردند، محدود بود ولی با انقلاب صنعتی تعداد شرکتها روبه افزایش گذاشت.

ایجاد شرکتها، تمرینی برای مردم در شناخت دموکراسی شد. علاوه بر این نقش سرمایه در یک شرکت، تعیین کننده تر از انسان شد و احترام به سرمایه را به جامعه بیشتر منتقل کرد. کارگروهی توسط شرکتها آموزش داده می شد تا سرمایه های کوچک و افراد پراکنده بتوانند دور هم جمع شده و کاری را انجام دهند که از تک تک آنها ساخته نبود. ایجاد شرکتها

باعث شد کسه قوانین خاص مرتبط با آنها هم به وجود بیاید.

● **نظام جدید آموزش و پرورش:** تولیدانبوه در کارخانه نمی توانست بدون افراد آموزش دیده به سرانجام مطلوب برسد و باید نظام آموزشی تغییر می کرد. به کارگیری نظام تولیدانبوه در آموزش و پرورش سبب ایجاد مدارس جدید شد و تعلیم اجباری برای افراد جامعه به وجود آمد.

آموزش و پرورش و ایجاد مدارس حرفه ای برای آماده ساختن انسانها برای مسئولیتهای تخصصی در صنایع در طرزفکر، طرز زندگی و بینش افراد تاثیر گذاشت و آنها را از فرهنگ سنتی به سوی فرهنگ مدرن یا فرهنگ صنعتی سوق داد.

● **تغییر نظام خانواده:** خانواده های گسترده قدیمی که همه از زمین ارتزاق می کردند، دیگر امکان حیات نداشتند. پیدا کردن کار مطلوب در شهرها اجازه نمی داد که خانواده به صورت قدیم و متمرکز باقی بماند، خانواده ها به خانواده کوچکتر و هسته ای تبدیل می شدند. نظام خانواده دچار دگرگونی هایی شد که در نوع رفتار افراد با یکدیگر تاثیر گذار بود و فرهنگ جدیدی را به آنها تحمیل می کرد که دیگر با گذشته قابل قیاس نبود.

● **مردمی شدن هنر و موسیقی:** هنرمندان در گذشته با کمک فئودال ها پرورش می یافتند و هنر خود را در دربارها عرضه می کردند. ثروتمندان جدید به چنین جانبداری از خود علاقه نشان نمی دادند و در نتیجه موسیقی دانهای برای اجرای برنامه به داخل مردم رفتند. با ورود هنر به میان مردم، به تدریج تفکر هنرمندان و جامعه دگرگون شد و تاثیر متقابل در فرهنگ جامعه گذاشت.

● **تشکل گرایی و جامعه مدنی:** عصر صنعتی در آغاز با رقابت شدیدی همراه بود، رقابتی که سبب می شد کارخانه های یکدیگر را به آتش کشند. با گسترش بازار مصرف و نیاز به تولید بیشتر رقابتها همراه با یک نوع درک متقابل، تبدیل به هماهنگی هایی شد. به



دکتر بهشتی:

در کشور ما تضادهای بین فرهنگ مدرن و فرهنگ سنتی در طول صدسال گذشته مانع حاکمیت عوامل فرهنگ صنعتی بر جامعه شده است.

اگر فرهنگ صنعتی با تلفیق های مناسب با فرهنگ سنتی بر کلیه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم نشود، تناقضات اجتماعی به صورت سدی برای صنعتی شدن خواهد بود.

تولید انبوه و یگسان سازی باعث شد که تفکر جامعه دگرگون شود و سیستم های اجرایی و تفکر سیستمی به وجود آید.

آموزش و پرورش و ایجاد مدرسه حرفه ای، انسانها را برای قبول مسئولیتهای تخصصی در صنایع آماده ساخت و آنها را از فرهنگ سنتی به سوی فرهنگ صنعتی سوق داد.

در عصر صنعتی، تشکل های مردمی برای پیشبرد اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به نهادهای مدنی تبدیل شدند و هرگونه دخالت دولت در این نهادها مذموم شناخته شد.

ایجاد نظام توزیع کالا و تغییر در روشهای خرید مردم و مصرف کالا، یکی از ویژگیهای فرهنگ صنعتی است.

کشور ما اگرچه خیزشهایی را برای دستیابی به فرهنگ صنعتی برداشته است، اما فضا برای پرورش دانشمندان دگراندیش و کارآفرینان مبتکر فراهم نشده است.

برای دستیابی به فضایی که در آن توسعه فرهنگ صنعتی فراهم شود، نهادهای فرهنگ ساز نیازمند همکاری و ارائه طرحهای تهورآمیز هستند.



کارآفرینان به وجود آمدند و توانستند سرمایه ها را به سوی تولید جلب کنند.

نکته دیگر اینکه در این دوران زنان نقش موثرتر از گذشته در تغییر فرهنگ جوامع به عهده گرفتند و در نهایت با هوشیاری زنانه توانستند زمینه ساز تغییرات فرهنگی شوند.

در جمع بندی عرایض خودم در مورد ایران باید عرض کنم که کشور ما که دوران سخت دیکتاتوری را تحت تفکرات مختلف گذرانده است خیزش هایی را برای دستیابی به فرهنگ صنعتی را داشته است، ولی از آنجا که صنعتی شدن را با استفاده از مظاهر آن آغاز می کند و فضایی برای پرورش دانشمندان دگراندیش و کارآفرینان مبتکر فراهم نمی سازد، همواره مواجه با تضادهای اجتماعی بوده است. از آنجا که منابع تولید ثروت در کشور ما در دست حکومت بوده ایران نتوانسته است نهادهای لازم را برای صنعتی شدن فراهم آورد، در حالی که موقعیت مکانی کشور ما، جز صنعتی شدن راه دیگری برای توسعه همه جانبه ندارد.

برای دستیابی به فضایی که در آن توسعه فرهنگ صنعتی فراهم شود، نهادهای فرهنگ ساز که دانشگاهها و مراکز دینی و نهادهای عمومی هستند، نیازمند همکاری و ارائه طرحهایی تهورآمیز می باشند تا یک جامعه منضبط با بهره وری بالا که بتواند تولید علم و فناوری کند به وجود آید.

تدبیر: باسپاس فراوان از مدیران و اساتید گرامی شرکت کننده در میزگرد، امیدواریم این گونه بحثهای کارشناسی، ما را به شناخت هرچه بیشتر موانع و مشکلات و زوایای پنهان صنعت کشور و در جهت تقویت توسعه صنعتی و در نهایت چشم انداز و آینده روشن صنعت کشور آشنا و نزدیک سازد.

در میزگرد بعدی، شما را به مطالعه گوشه های دیگری از صنعت کشور و جایگاه آن در عرصه تجارت جهانی از زبان گروه دیگری از استادان و مدیران حوزه بخش صنعت و معدن دعوت می کنیم. □

تدریج کارگران با شناخت حقوق خود در تعاونی ها و سپس در اتحادیه های کارگری به قدرت جمعی خود پی بردند. تشکل های مردمی برای پیشبرد اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به نهادهای مدنی تبدیل شدند و هرگونه دخالت دولت در این نهادها مذموم شناخته می شد.

علاوه بر عواملی که عرض کردم اکنون سعی می کنم به پاره ای از مسایل عمده دیگر که در شکل گیری فرهنگ صنعتی دخالت داشته است اشاره کنم.

یکی از این مسایل ایجاد تمرکز است. با وجودی که همواره شعارهای عدم تمرکز از سیاستمداران شنیده می شنید، جامعه به شدت به سوی تمرکزگرایی روی آورد. در دوران صنعتی، عدم تمرکز به قدرت مرکزی تبدیل شد که ایجاد بانک مرکزی بهترین نمونه این تمرکزگرایی است. وحدت فرماندهی در کارخانه ها سبب شد تا انواع تازه تشکیلات سازمانی به وجود آید. تمرکزگرایی و اقتدار تصمیم گیری، اثرات فرهنگی خود را به جای گذاشت.

مساله تاثیرگذار دیگر، نوع برخورد با دین بود. اخلاق دینی بیشتر از اجرای مراسم دینی رواج یافت. در نتیجه نظام های اجتماعی ضمن احترام گذاری به عقاید دینی، اخلاقیات دینی را وارد نظام اجتماعی کردند و مذهب خود کمک کننده به ایجاد فرهنگ صنعتی شد.

مساله مهم دیگری که عادت گذشته و فرهنگ جامعه را دگرگون کرد، نظام توزیع کالا و تغییر در روشهای خرید مردم و مصرف کالا است. مغازه های کوچک به فروشگاههای بزرگ تبدیل شدند و فروشگاههای بزرگ سعی کردند کالای بهتر و با بسته بندی منطبق با نیازهای مردم عرضه کنند. در نهایت روشهای زندگی و عاداتهای مصرف مردم، دگرگون شد.

علاوه بر اینها در دوران صنعتی، تکنولوژی زایندهگی خود را مرتباً افزایش داد. در کنار این زایش پرتوان، مدیران مبتکر سیاسی، فضایی ایجاد کردند که از میان آن